



امیرعلی ابوالفتح  
تحلیلگر مسائل آمریکا

## پایان بولتون‌نویسم

## برکناری جان بولتون چه تأثیری بر سیاست‌های جنگ طلبانه ترامپ داشت

### خروج بولتون از تیم امنیت ملی ترامپ به منزله کنار گذاشتن رویکرد میلیتاریستی آمریکا نیست.

در میان برکناری‌های توثیتری مقامات ارشد دولت دونالد ترامپ، عزل کمتر مقامی مانند جان بولتون، مشاور وقت امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا، عجیب و ناباورانه بود. دونالد ترامپ روز ۱۰ سپتامبر در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توییتر، نوشت: «دیشب به جان بولتون اطلاع دادم که دیگر به حضور او در کاخ سفید نیازی نیست. من و دیگر اعضای دولت با بسیاری از پیشنهادهای او شدیداً مخالف بودیم، به همین دلیل از او خواستم استعفايش را تقدیم کند، او هم صبح این کار را کرد. از خدمات او بسیار ممنونم. هفته آینده یک مشاور امنیت ملی تازه معرفی می‌کنم.»

بدین ترتیب جان بولتون پس از ۱۹ ماه تصدی سمت مهم مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا، برکنار شد تا نام وی در کنار مایکل فلین و هریس مک مستر، به عنوان سومین مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ طی دو سال و نیم ریاست جمهوری به ثبت برسد.

با این حال، هنوز پس از هفته‌ها برکناری مشاور امنیت ملی تندخو و جنجالی کاخ سفید، هنوز گمانه‌زنی‌هایی در مورد دلایل عزل وی در جریان است. البته ترامپ چند روز بعد از برکناری بولتون بار دیگر به توییتر متوسل شد و نوشت: «جان بولتون با افراد مهم در دولت آمریکا سازگار نبود. وی اشتباهاتی از جمله در مسأله لیبی داشت. موضع بولتون در مسأله ونزوئلا بشدت متفاوت بود.» برخی از رسانه‌ها نیز اختلاف بر سر افغانستان و ایران را از دیگر دلایل برکناری ترامپ برشمردند. حتی گفته شده است که میان ترامپ و بولتون در مورد اینکه بخشی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران با هدف کمک به ازسرگیری مذاکرات کاهش یابد، جدال لفظی شدیدی رخ داد و ساعاتی بعد، بولتون از مقام خود استعفا داد، عملی که صبح روز بعد از سوی ترامپ مورد پذیرش قرار گرفت.

به هر حال، فارغ از اینکه چه موضوعی یا چه موضوعاتی سبب شد تا بولتون بعد از ۱۹ ماه کابینه ترامپ را ترک کند، تفاوت دیدگاه طرفین در خصوص جهت‌گیری کلان سیاست خارجی و امنیتی میان رئیس جمهوری و مشاور امنیت ملی وی، موجب این جدایی شد.

البته ترامپ و بولتون بر سر آغاز تغییرات در جهت‌گیری سیاست خارجی و امنیتی آمریکا و اینکه این کشور نباید مسیر همراهی با روند جهانی شدن، تعهد به اجرای توافقات بی حاصل و ایفای نقش پلیس بین‌الملل را همچنان ادامه دهد، متفق‌القول

بودند اما مشکل از جایی آغاز می‌شد که هر یک از این دو تن، سرانجام متفاوتی را برای اتخاذ رویکرد «میهن پرستانه» مدنظر داشت. از دید ترامپ، بیرون پریدن از قطار جهانی شدن و کنار گذاشتن پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه بی حاصل، تاکتیک مذاکره‌ای برای رسیدن به توافقات بهتر و مطلوب‌تر با جامعه جهانی است. وی به عنوان یک فرد کارآفرین در عرصه تجارت و نویسنده کتاب «هنر معامله» بارها تأکید کرده که صرفاً در پی توافقات بهتر با دیگران است و قصد جنگ و منازعه با دیگران ندارد. در حقیقت، ترامپ سوار بر موج دزدگی از جنگ در میان شهروندان آمریکایی، در سال ۲۰۱۷ وارد کاخ سفید شد و به کرات، رهبران گذشته آمریکا را به دلیل راه انداختن جنگ‌های پرهزینه خارجی و صرف حداقل ۷ تریلیون دلار در خاورمیانه بشدت سرزنش کرده است. در منطق ذهنی ترامپ، جنگ‌های نظامی جایگاهی ندارد و تقویت ارتش صرفاً با هدف حفظ صلح و نه ورود به جنگ انجام می‌گیرد.

در حالی که بولتون به عنوان یکی از اعضای شاخص و سرشناس جناح محافظه‌کاران نوین، به جنگ به عنوان یک عمل سیاسی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ سروری و برتری آمریکا در جهان می‌نگریسته است. به همین دلیل نیز وی و همفکران وی در دولت جورج دبلیو بوش، جنگ‌هایی را راه انداختند که به قول ترامپ، ۷ تریلیون دلار هزینه روی دست مالیات دهندگان آمریکا گذاشت. با این حال، بولتون نه فقط از عملکرد خود در قبال جنگ عراق ابراز پشیمانی نکرده بود، بلکه براساس گزارش رسانه‌های آمریکایی، به کرات به ترامپ توصیه کرده بود در برابر آنچه «اقدامات مخرب ایران» می‌خواند، به اقدام نظامی متوسل شود. گفته می‌شود مقاومت ترامپ در برابر درخواست‌ها برای اقدام تلافی جویانه نظامی پس از سرنگونی پهپاد متجاوز آمریکایی بر فراز خاک ایران، بولتون را بشدت عصبانی و سرخورده کرده بود.

به هر حال توصیه‌های افراطی بولتون که به قول دونالد ترامپ در صورت تحقق، آمریکا را وارد جنگ با نیمی از کشورهای جهان می‌کرد، رئیس جمهوری تاج‌پیشه را واداشت برای تبدیل نشدن به رهبران جنگ طلب قبلی، راه خود را از مشاوری‌های جریان محافظه‌کاران نوین جدا کند.

با این حال، خروج بولتون از تیم امنیت ملی ترامپ به منزله کنار گذاشتن رویکرد میلیتاریستی و جنگی دولت آمریکا نیست، بلکه برخلاف جنگ‌سالاران دوران قرن بیستم همچون جان بولتون که به آتش گلوله، بمباران‌های هوایی و اعزام لشکریان به جبهه‌های جنگ اعتقاد دارند، جنگ سالاران دوران قرن بیست و یکم همانند ترامپ، جنگ را بدون کشتار انسانی و صرف میلیاردها دلار می‌خواهند؛ با تسلیحاتی همچون تحریم اقتصادی، حملات سایبری و جنگ‌های نیابتی.

